University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902
Volum: 17 **Issue:** 47
Summer 2026
Pages: 1-26

Article Type: Research Article **DOI:** 10.22034/JIIPH.2026.71618.2629

Received: 2026/02/18 **Received in revised form:** 2026/06/22 **Accepted**: 2026/07/21 **Published:** 2026/09/16

A Structural and Thematic Analysis of Ibn Saʿdān's Scholarly Assemblies Based on Al-Imtāʿ wa al-Muʾānasa

Mohsen Parvish[1]

Abstract

This study examines the scholarly gatherings (majālis) of Ibn Saʿdān (d. 375 AH), the vizier of Ṣamṣām al-Dawla al-Daylamī, based on Abū Ḥayyān al-Tawḥīdī's Al-Imtāʿ wa al-Muʾānasa. Beyond their literary significance, examining the political and social functions of these gatherings is essential to understanding the mechanisms of power during the Buyid period in Iranian studies. It also offers a framework for understanding the interactions between political elites, the caliphal institution, and the bureaucratic apparatus. One of the major challenges in this field, and consequently in the analysis of relevant texts, lies in uncovering the underlying layers of these dialogues. Shifts in ethnic and cultural balances have consistently posed significant challenges for researchers, highlighting the need for a more rigorous methodological approach. Accordingly, the central research question is: How did the structural and thematic components of these gatherings serve the vizier's objectives? The study demonstrates that Ibn Saʿdān employed three primary strategies in managing these assemblies: "political legitimation," "elite networking," and "cultural tension management."

Keywords: *Buyid Dynasty, Ibn Saʿdān, Scholarly Gatherings (Majālis), Islamic-Iranian Civilization, Philosophical Debates, Abū Ḥayyān al-Tawḥīdī.*

1. Assistant Professor, Department of History, University of Mohaghegh Ardabili, Iran
mohsen.parvish@yahoo.com

شاپا الکترونیکی: ۲۹۰۲-۲۷۱۷
دوره: ۱۷، شماره: ۴۷
تابستان ۱۴۰۵
صفحات: ۱-۲۶

تاریخنامۀ ایران بعد از اسلام

نوع مقاله: پژوهشی
DOI: 10.22034/JIIPH.2026.71618.2629

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۹ **تاریخ بازنگری:** ۱۴۰۵/۰۴/۰۱ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۵/۰۶/۲۵

تحلیل ساختاری و مضمونی مجالس علمی ابن‌سعدان بر پایۀ کتاب الامتاع و المؤانسة

محسن پرویش[۱]

چکیده

این پژوهش به تحلیل مجالس علمی ابن‌سعدان (متوفای ۳۷۵ق)، وزیر صمصام‌الدولۀ دیلمی، براساس کتاب الامتاع و المؤانسة، اثر ابوحیان توحیدی می‌پردازد. در کنار اهمیت ادبی این مجالس، می‌توان گفت بررسی کارکردهای سیاسی و اجتماعی آن‌ها در جهان ایران‌شناسی نقش مهمی در شناخت سازوکارهای قدرت در دوران آل‌بویه داشته و الگویی برای فهم تعامل نخبگان با دستگاه خلافت و دیوان‌سالاری به شمار می‌آید. بخش مهمی از دشواری‌های این حوزه و لاجرم تحلیل متون مرتبط، مربوط به واکاوی لایه‌های پنهان گفت‌وگوهاست زیرا دگرگونی‌های پیش‌آمده در موازنه‌های قومی و فرهنگی، همواره محققان را با چالش بزرگی رویاروی کرده که به‌تبع آن، نیاز به روش‌شناسی دقیق‌تری احساس می‌شود. لذا پرسش این پژوهش آن است که مؤلفه‌های ساختاری و مضمونی این مجالس چگونه در خدمت اهداف وزیر قرار گرفته‌اند؟ این پژوهش نشان می‌دهد که ابن‌سعدان سه راهبرد اصلی را در مدیریت این محافل در پیش گرفته که می‌توان آن را «مشروعیت‌سازی سیاسی»، «شبکه‌سازی نخبگان» و سرانجام «مدیریت تنش‌های فرهنگی» نام نهاد.

کلیدواژه‌ها: آل‌بویه، ابن‌سعدان، مجالس علمی، تمدن اسلامی-ایرانی، مناظرات فلسفی، ابوحیان توحیدی.

۱. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه محقق اردبیلی، ایران mohsen.parvish@yahoo.com

مقدمه

دوران آل‌بویه به‌ویژه در سدهٔ چهارم هجری، عصری سرشار از تنش‌های قومی، رقابت‌های دیوان‌سالاری و بی‌ثباتی‌های سیاسی بود. در چنین فضایی وزرا نه‌تنها مدیران اجرایی بلکه کنشگرانی فرهنگی بودند که برای حفظ موقعیت خود، راهکارهای پیچیده‌ای اتخاذ می‌کردند. ابن‌سعدان، وزیر صمصام‌الدولهٔ دیلمی، ازجمله چهره‌هایی است که ابوحیان توحیدی در *الامتاع و المؤانسة*، تصویری متفاوت از مجالس او ترسیم کرده‌است. برخلاف تصور رایج که مجالس وزرا را محافلی عمومی برای کسب شهرت و مشروعیت‌سازی گسترده می‌پندارد، شواهد متنی نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از گفت‌وگوهای ابن‌سعدان با توحیدی و دیگر ادیبان در فضایی محرمانه، خلوت‌گزینانه و میان دو یا چند نفر محدود رخ داده‌است. این ویژگی پرسشی بنیادین را مطرح می‌کند: اگر هدف نمایش قدرت نبود، پس کارکرد اصلی این محافل خصوصی چه بوده‌است؟ پژوهش حاضر به واکاوی لایه‌های پنهان این گفت‌وگوهای خصوصی می‌پردازد. فرضیهٔ پژوهش بر این استوار است که این مجالس نه برای مصرف افکار عمومی بلکه به‌عنوان «اتاق فکر» یا «فضای امن روانی–سیاسی» عمل می‌کردند. در این فضا، الگوی حاکم بر گفت‌وگو («پرسش حامی–پاسخ کارگزار») بیشتر کارکردی درونی ایفا می‌کرد: ازجمله تثبیت وفاداری نخبگان کلیدی، تخلیهٔ فشارهای روانی ناشی از بی‌ثباتی سیاسی و تدوین استراتژی‌های نرم برای مقابله با رقبای سیاسی.

۱. پیشینهٔ تحقیق

علی‌رغم غنای مطالعات انجام‌شده در حوزهٔ ادبیات و بلاغت، اکثر پژوهش‌های فارسی و عربی با تمرکز بر جنبه‌های صوری، سبکی یا زندگی‌نامه‌ای ابوحیان توحیدی از واکاوی عمیق «کارکرد نهادی» مجالس علمی بازمانده‌اند. در این میان، نادیده گرفتن میراث تحلیلی جوئل کرمر به‌ویژه در اثر بنیادین او «احیای فرهنگی در عهد آل‌بویه» یک خلأ نظری آشکار است؛ چراکه کرمر برای نخستین بار با دقتی کم‌نظیر نشان داد که این محافل صرفاً گردهمایی‌های ادبی نبودند، بلکه کانون‌های حیاتی منازعات فلسفی و کلامی محسوب می‌شدند که در آن‌ها چالش سازگاری میراث یونانی با کلام اسلامی به شکلی جدی دنبال می‌شد (کرمر، ۱۳۷۵: ۲۷۴). محمدی و پرویش (۱۳۹۲) در پژوهشی دربارهٔ

دارالعلم‌های آل‌بویه، با بررسی کارکرد این نهادها نشان داده‌اند که حمایت حکومت بویهی از مراکز علمی صرفاً به گسترش دانش محدود نبود، بلکه با تثبیت فرهنگ عمومی و تحکیم ساختارهای اجتماعی و سیاسی عصر نیز ارتباط داشت (محمدی و پرویش، ۱۳۹۲: ۱۹۵–۱۷۳). این دیدگاه از آن جهت با پژوهش حاضر ارتباط دارد که مجالس ابن‌سعدان نیز در سطحی محدودتر و در قالبی غیررسمی بخشی از همین پیوند میان حمایت سیاسی، تولید دانش و سازمان‌دهی نخبگان را بازتاب می‌دهد. همچنین اروجی، صدقی و کاظم‌زاده (۱۳۹۲) در بررسی نقش اقلیت‌های دینی در حیات اقتصادی عهد آل‌بویه بر ظرفیت ساختار سیاسی و اجتماعی این دوره برای تعامل میان گروه‌های مختلف تأکید کرده‌اند (اروجی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱–۲۲). ازاین‌رو مجالس علمی ابن‌سعدان را نیز می‌توان در چارچوب گسترده‌تر فضای چندلایه فکری و اجتماعی بغداد قرن چهارم هجری تحلیل کرد؛ فضایی که در آن اندیشمندان با پیشینه‌های علمی و فکری متفاوت در کنار یکدیگر به گفت‌وگو، مناظره و مبادله سرمایه علمی و فرهنگی می‌پرداختند. همچنین پژوهش‌های حمیدرضا شریعتمداری در حوزه کلام و فلسفه اسلامی بستری نظری برای فهم لایه‌های پنهان این مناظرات فراهم آورده‌اند که متأسفانه در تحلیل‌های پیشین مغفول مانده‌است (شریعتمداری، ۱۴۰۰: ۱۸۷–۲۰۶). همچنین نویسندگان پژوهشی با عنوان «وام‌واژه‌های فارسی در کتاب *الامتاع و المؤانسة* ابوحیان توحیدی»، با شناسایی بیش از صد واژه فارسی در این اثر، نشان داده‌اند که چگونه بار فرهنگی تمدن ایرانی از طریق واژگان حوزه تمدن مادی به جهان عربی منتقل شده‌است. (آذرنوش و همکاران، ۱۳۹۳: ۱–۴۱) در تازه‌ترین پژوهش محسن پرویش در مقالهٔ «بازسازی ساختاری روایی در نثر فلسفی عربی: تحلیل روایت‌شناختی *الامتاع والمؤانسهٔ* ابوحیان توحیدی براساس نظریه گریماس و پرینس» پیوند میان ادبیات روایی و برهان‌های منطقی را آشکار ساخته‌است؛ یافته‌ای که نشان می‌دهد در نثر توحیدی روایت نه یک آرایه تزئینی بلکه خود فرایند استدلال است. با این حال همچنان جای خالی تحلیلی احساس می‌شود که این مجالس را نه به‌مثابهٔ رویدادهای منفرد بلکه به‌عنوان یک «نهاد اجتماعی–فکری» با کارکردهای مشخص سیاسی و فرهنگی تبیین کند (پرویش، ۱۴۰۳: ۱۳–۳۶).

۲. زندگی‌نامه و مناصب ابن‌سعدان

ابوعبدالله حسین بن احمد (معروف به ابن‌سعدان) محصول دوران گذار و تکثرگرایی در سدهٔ چهارم هجری است که واکاوی جایگاه او نیازمند عبور از تک‌گویی‌های تاریخی است. از یک‌سو منابع متأخری چون هندوشاه نخجوانی، با نگاهی آسیب‌شناسانه به دوران وزارت او، وی را در مدیریت چالش‌های اقتصادی و دیوانی ناکارامد توصیف کرده‌اند (هندوشاه نخجوانی، ۱۳۱۳: ۲۴۶)؛ ارزیابی‌ای که باید آن را در بستر پویایی‌ها و رقابت‌های درون‌ساختاری دیوان‌سالاری آل‌بویه فهمید جایی که نقد عملکرد وزرا بخشی از سنت مکتوب‌سازی تاریخی بود. از سوی دیگر ابوحیان توحیدی به‌عنوان شاهدی هم‌عصر و درون‌گفتمانی تصویری متفاوت از او ارائه می‌دهد: وزیری فرهیخته که دانش را نه یک سرگرمی بلکه ضرورتی برای مدیریت پیچیدگی‌های عصر خویش می‌دانست. حلقهٔ فکری او که نخبگانی چون ابن‌زُرعه، ابوالوفای مهندس و مسکویه را دربر می‌گرفت و بازتاب آن در آثاری چون *الامتاع و المؤانسة* و *الصداقة و الصدیق*، هویت او را به‌عنوان «ابوعبدالله العارض» تثبیت می‌کند، نشان‌دهندهٔ بستر فکری غنی اوست. این دلبستگی به دانش صرفاً یک ویژگی شخصی نبود، بلکه یک سرمایهٔ راهبردی در ساختار قدرت آل‌بویه به شمار می‌رفت؛ دورانی که در آن دیوان‌سالاران برای پر کردن شکاف‌های مشروعیت و مدیریت تکثر قومی–مذهبی بغداد ناگزیر از تولید سرمایهٔ نمادین از طریق حمایت از نخبگان فکری بودند.

پرسش‌های متعدد ابن‌سعدان در حوزه‌های مختلف که در هشت مجلس نخست *الامتاع* ثبت شده‌است (ابوحیان توحیدی، ۲۰۰۳م: ۲۶–۲۷) بیش از آنکه بازتاب‌دهندهٔ کنجکاوی‌های انتزاعی فلسفی باشد، نشانگر رویکردی اطلاع‌محور و مدیریتی است. مطالعهٔ دقیق این مجالس آشکار می‌سازد که بسیاری از پرسش‌ها معطوف به شناخت دقیق شخصیت‌ها، سنجش وفاداری‌ها و کشف لایه‌های پنهان روابط میان نخبگان بغداد بوده‌است؛ امری که در فضای بی‌ثبات دیوان‌سالاری حیاتی تلقی می‌شد. تأکید مکرر بر رازداری و ماهیت خلوت‌گزینانه این گفت‌وگوها نیز مؤید آن است که این محافل نه برای نمایش عمومی قدرت بلکه می‌توانست به‌عنوان یک اتاق فکر عمل نماید که در آن‌ها وزیر با بهره‌گیری از

هوش کلامی و بلاغی مهمانان، داده‌های اجتماعی–سیاسی موردنیاز خود را استخراج می‌کرد. بنابراین تحلیل این مجالس بدون درک این دوگانگی یعنی تلفیقِ نقش یک سیاست‌مدار محتاط که به‌دنبال جمع‌آوری اطلاعات و تثبیت شبکه اعتماد است با نقش یک میزبان فرهیخته، ناقص خواهد بود.

همان طور که اشاره شد دوران وزارت ابن‌سعدان طولانی نبود و تنها دوسال بین سال‌های ۳۷۳ تا ۳۷۵ق به طول انجامید و در میان شرایطی دشوار و تحت فشار قرار داشت. با وجود این، وی در تاریخ به‌عنوان یکی از شخصیت‌هایی شناخته می‌شود که نقش مؤثری در حمایت از علم و دانشمندان داشت. هندوشاه در یک موضع وی را کاتبی ماهر و متخصص در حساب معرفی می‌کند، اما در موضع دیگر نسبت به وی بیزاری نشان داده و می‌گوید: «این مرد هیچ فضیلتی نداشت و همه‌اش شر، بهتان و سوءخلق بود و با توسل به بدی به منصب وزارت رسید» (هندوشاه نخجوانی، ۱۳۱۳: ۲۴۷). در مقابل ابوحیان توحیدی وی را ستوده‌است (ابوحیان توحیدی، ۲۰۰۳م: ۲۱–۲۲؛ ۲۰۹–۲۱۰) و صاحب بن عباد، وزیر معروف دیگری، از وی به‌عنوان فردی بخشنده و آزادمنش یاد کرده‌است (ابوحیان توحیدی، ۱۹۹۲: ۳۱۳). در مقابل، ابن‌سعدان در مکاتبات خود صاحب بن عباد را با عنوان «الصاحب الجلیل» (یار بزرگوار) خطاب می‌کرد (ابن‌تغری‌بردی، ۱۳۹۲: ۱۴۵). ابوالوفای بوزجانی، ریاضی‌دان برجسته، وی را وزیری می‌داند که قدرت و تصمیم‌گیری‌های دولت به نظر و امر وی وابسته بوده‌است (ابوحیان توحیدی، ۲۰۰۳م: ۵).

وزارت ابن‌سعدان در دوران صمصام‌الدوله با چالش‌های متعددی روبه‌رو بود ازجمله تهدیدات خارجی از سوی قبایل شورشی و اختلافات داخلی در دستگاه حکومتی. اگرچه او از نظر فکری فردی هوشمند محسوب می‌شد، اما در عرصهٔ سیاسی، فاقد مهارت‌های لازم برای مدیریت بازی قدرت بود. یکی از نمونه‌های بارز این ناتوانی، شورش باذ بن دوشنگ معروف به «کرد» بود که پس از دورهٔ صلح با عضدالدوله دوباره سر برآورد و حتی نیروهای دیلمی تحت فرمان ابوالقاسم سعد بن محمد حاجب را شکست داد (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۲۷–۲۸). این شکست نظامی ضعف حکومت مرکزی را آشکار کرد. پس از پیروزی بر نیروهای دیلمی، باذ بن دوشنگ با تسخیر موصل پایگاه قدرتی مستحکمی برای خود بنا نهاد. این

موفقیت نظامی نقطه‌عطفی در کارنامه او بود، چراکه دیگر نه یک سردار شورشی یا غارتگر ساده بلکه به رهبری تأثیرگذار در میان مخالفان حکومت به‌ویژه خوارج تبدیل شد و مقابله مستقیم با حاکمیت مرکزی بغداد را هدف قرار داده بود. این تحولات صمصام‌الدوله و ابن‌سعدان را به‌شدت نگران کرد، زیرا خوارج را به‌عنوان تهدیدی دائمی برای ثبات سیاسی و امنیتی حکومت می‌دیدند. با این حال، هیچ‌یک از مقامات حکومتی توانایی کنترل این وضعیت بحرانی را نداشتند. به گفتهٔ جوئل کرمر، ابن‌سعدان با انتصاب پدرش به‌جای کاتبِ مورداعتماد مادر صمصام‌الدوله مرتکب اشتباه شد. این اقدام اگرچه در نگاه نخست، تلاشی برای تحکیم موقعیت خانوادگی به نظر می‌رسید، اما در واقعیت پرتنش دربار به رقیب دیرینه‌اش ابن یوسف بهانه‌ای داد تا با زیرکی به صمصام‌الدوله القا کند که ابن‌سعدان در پی انحصارطلبی و تسلط کامل بر ساختار حکومت و خزانه است (کرمر، ۱۳۷۵: ۲۷۴). ابن‌یوسف با زیرکی به صمصام‌الدوله القا کرد که این اقدام بخشی از نقشهٔ ابن‌سعدان برای تسلط کامل بر حکومت و خزانه است (کرمر، ۱۳۷۵: ۲۷۴).

درواقع روابط پیچیده عبدالعزیز بن یوسف و ابن‌سعدان در دستگاه آل‌بویه، بازتابی از رقابت‌های سیاسی قرن چهارم هجری بود. عبدالعزیز متهم به آگاهی از فرار ابومنصور شد، اما با تکیه بر سرمایهٔ اجتماعی (رابطه با حاجب) و مکانیسم‌های آیینی مانند سوگندهای نمایشی، اعتماد صمصام الدوله را جلب کرد (مسکویه، ۱۴۲۴ق: ۶۱). در مقابل اتهام‌زنی‌های ابن‌سعدان ناشی از جنگ جانشینی پس از عضدالدوله بود. این کشمکش فراتر از یک اختلاف شخصی، الگویی از بقای سیاسی در بی‌ثباتی آن عصر را نشان می‌داد که در آن دیوان‌سالاری نوین در حال جایگزینی شبکه‌های خاندانی سنتی بود. موفقیت نهایی عبدالعزیز در حذف ابن‌سعدان تحولی در ساختار قدرت آل‌بویه محسوب می‌شد. عبدالعزیز بن یوسف در عرصهٔ سیاست به حیله‌گری و شایعه‌پروری شهرت داشت. ابن‌سعدان در گفت‌وگویی با توحیدی از جعل سخنانش توسط عبدالعزیز شکایت کرد: «عوام می‌گویند من به گرسنگان گفتم هنوز سبوس نخورده‌اید، اما چنین حرفی نزدم. این دروغ‌ها کار عبدالعزیز است» (عبدالعزیز بن یوسف، ۲۰۰۹م: ۱۹). با این حال، در حوزه ادبی، عبدالعزیز در حلقهٔ ادیبان بزرگی مانند صاحب بن عباد و ثعالبی جای داشت. ثعالبی در *یتیمة‌الدهر*، به بلاغت

بی‌نظیر نامه‌های دیوانی او اشاره کرده که به‌عنوان نمونه‌های آموزشی تدریس می‌شد. تنش‌های فزاینده بین عبدالعزیز و ابن‌سعدان به اوج رسید و به سقوط سیاسی ابن‌سعدان انجامید. هنگامی که صمصام الدوله تصمیم به دستگیری گروهی از مقامات گرفت، عبدالعزیز با حضور فرصت‌طلبانه در دربار صمصام الدوله را متقاعد کرد که تمام آشوب‌ها نقشهٔ ابن‌سعدان است (مسکویه، ۱۴۲۴ق: ۶۷). احمد بن حفص نیز با تحریکات خود بر آتش کینه دمید. سرانجام صمصام‌الدوله دستور قتل ابن‌سعدان و دستیارش ابوسعد بهرام را صادر کرد. ابومنصور نیز به دلیل کینهٔ شخصی عبدالعزیز کشته شد (ابن‌خلدون، ۱۳۶۳: ۶۶۲).

۳. ارتباط ابن‌سعدان با ابوحیان توحیدی

تحقیقات تاریخی نشان می‌دهد ابوعبدالله العارض مذکور در آثار ابوحیان توحیدی، همان ابن‌سعدان وزیر است. این ادعا با چندین دلیل مستند قابل‌اثبات است: نخست آنکه حلقهٔ دوستان ذکرشده در هر دو کتاب *الصداقة و الصدیق* و *الامتاع و المؤانسة* یکسان است و شامل شخصیت‌های برجسته‌ای چون ابن‌زرعه، ابوالوفای مهندس و مسکویه می‌شود. ثانیاً توصیفات دقیق ابوحیان از رفتارهای اداری و واکنش‌های وزیر مذکور در مواجهه با اعتراضات مردمی کاملاً با گزارش‌های تاریخی از عملکرد ابن‌سعدان در سال‌های ۳۷۰ق مطابقت دارد (ابوحیان توحیدی، ۱۴۱۹ق: ۱۸). فرضیهٔ مطرح‌شده دربارهٔ ابوالحسن بن عماره العارض به دلایل متعددی قابل‌پذیرش نیست. مهم‌ترین نقدها عبارت‌اند از: ۱) اختلاف کنیه (ابوعبدالله در مقابل ابوالحسن) که در منابع تاریخی به وضوح ثبت شده‌است؛ ۲) عدم تطابق مقام سیاسی، چراکه ابوالحسن هرگز به مقام وزارت نرسید درحالی‌که مخاطب ابوحیان صراحتاً دارای این جایگاه بوده‌است؛ ۳) شواهد تاریخی که نشان می‌دهد توصیفات کتاب از برخورد وزیر با مردم، دقیقاً منطبق بر واقعه شورش علیه ابن‌سعدان در سال ۳۷۳ق است (ابوحیان توحیدی، ۱۴۱۹: ۱۸).

در این بین ابوالوفای بوزجانی ریاضی‌دان نامدار خراسانی به‌عنوان حلقه وصل ابوحیان و ابن‌سعدان عمل کرده‌است. مدارک نشان می‌دهد که وی نه‌تنها موجب آشنایی این دو شخصیت شد، بلکه مستقیماً درخواست تدوین کتاب *الامتاع و المؤانسة* را مطرح نمود. جالب آنکه ابن‌سعدان با وجود انتقاد از لهجهٔ خراسانی ابوالوفا، همواره از هوش سرشار و ظرافت

طبع او تمجید می‌کرد (ابوحیان توحیدی، ۲۰۰۳: ۲۸). ابوالوفای مهندس دوست خوبی برای ابوحیان بود و برایش میانجی‌گری کرد تا مسئولیت نظارت بر بخشی از امور بیمارستان بغداد را به او بسپارند (شوقی، ۱۴۲۸: ۴۵۸). این ارتباط سه‌جانبه یکی از درخشان‌ترین حلقه‌های علمی قرن چهارم هجری را تشکیل داد که آثار برجسته‌ای از آن بر جای مانده‌است. اگرچه ابوحیان در برقراری ارتباط با ابوالفضل ابن‌عمید و پسرش ابوالفتح بن عمید توفیقی نداشت و همچنین در رابطه با صاحب بن عباد نیز اقبال با او یار نبود به نظر می‌رسد که با وزیر ابن العارض ابوعبدالله حسن بن سعدان (درگذشتهٔ ۳۷۵ق) وزیر صمصام‌الدوله دیلمی موفق‌تر عمل کرد. حلقهٔ اتصال بین ابوحیان و ابن‌سعدان، شخصیتی عالم و فرهیخته بود که توحیدی در فارس با او آشنا شد و به‌مرور پیوند دوستی بین آن‌ها مستحکم گردید. این شخصیت کسی نبود جز ابوالوفای مهندس بوزجانی که ابوحیان بعدها کتاب خود *الامتاع و المؤانسة* را به او تقدیم کرد تا نشان‌دهندهٔ قدردانی و اعتراف به فضل او باشد (ابوحیان توحیدی، ۲۰۰۳م: ۱۴). نخستین درخواست ابوحیان از وزیر این بود که اجازه دهد با «تو» خطابش کند تا بتواند بدون تکلف، کنایه، اضطراب یا ابهام سخن بگوید. درخواست ابوحیان توحیدی برای استفاده از ضمیر «تو» در خطاب به وزیر، فراتر از یک انتخاب زبانی ساده، بازتابی از کشمکش قدرت در جامعه بود. این درخواست با به چالش کشیدن هنجارهای زبانیِ سلسله‌مراتبی، درواقع می‌کوشید رابطهٔ ادیب و حاکم را بر مبنای صمیمیت و صداقت بازتعریف کند. ابن‌سعدان با استناد به متون مقدس – مانند خطاب مستقیم قرآن به خداوند و احادیث پیامبر – به این درخواست مشروعیت بخشید. توحیدی با طلب اجازه برای خطاب غیررسمی نه‌تنها موقعیت خود را از «رعیت» به «همتراز گفت‌وگو» ارتقا داد، بلکه الگویی برای نقد روابط ارباب–رعیتی در نظام خلافت ارائه کرد (ابوحیان توحیدی، ۲۰۰۳م: ۴۴).

٤. انگیزه‌های سیاسی و فرهنگی تشکیل مجالس علمی در دورهٔ وزارت ابن‌سعدان

ابن‌سعدان به‌عنوان یکی از ارکان مهم حیات فکری و فرهنگی در عصر آل‌بویه، نقش بسزایی در احیای میراث علمی و ادبی آن دوران ایفا نمود. در فاصلهٔ سال‌های ۳۷۰ تا ۳۷۱ق، دو اقدام برجستهٔ فرهنگی او سفارش کتابت *الحیوان* جاحظ و تشویق به تألیف *رساله*

الصداقة و الصدیق گواهی بر سیاست‌های دانش‌پرورانه این وزیر دانش‌دوست است. توحیدی در بیان چگونگی تألیف این اثر ارزشمند روایت می‌کند که در دوره پیش از تصدی وزارت توسط ابن‌سعدان، هنگامی که در سال ۳۷۱ق مباحثی درباره دوستی با زید بن رفاعه ابوالخیر مطرح کردم، این گفتگوها به گوش ابن‌سعدان رسید. وی در آن مقطع که هنوز بار سنگین مسئولیت‌های وزارت بر دوشش نبود و اوضاع نسبتاً آرام‌تر بود، مرا به تدوین این مطالب فراخواند و تأکید کرد که این مباحث را با آرای معتبر پیشینیان پیوند زنم، چراکه سخن از دوستی همواره دلنشین و یاد یاران همواره شورانگیز است (ابوحیان توحیدی، ۲۰۰۰م: ۳۵؛ یاقوت حموی، ۱۳۸۱: ۸۵۵). این اقدامات مقدمه‌ای بود برای تشکیل حلقه‌ای از برجسته‌ترین دانشمندان عصر که پس از رسیدن ابن‌سعدان به مقام وزارت شکل گرفت. محفل علمی او شامل چهره‌هایی چون ابوعلی مسکویه، ابوالوفای بوزجانی و یحیی بن عدی می‌شد که به بحث‌های عمیق فلسفی و علمی می‌پرداختند (ابوحیان توحیدی، ۲۰۰۳م: ۳۱–۳۲).

رابطهٔ میان ابن‌سعدان و ابوحیان توحیدی که در کتاب *الامتاع و المؤانسة*، مستند شده بیش از آنکه یک تعامل برابر میان سیاست و ادب باشد، نمایانگر یک ساختار حمایتی کاملاً تعریف‌شده است. پویایی درونی این مجالس شبانه که طیف وسیعی از موضوعات را دربر می‌گرفت، از یک الگوی مشخص پیروی می‌کرد که در آن سلسله‌مراتب قدرت به‌وضوح نمایان بود. اولاً ساختار گفتگو مبتنی بر الگوی پرسش از سوی حامی پاسخ از سوی کارگزار بود؛ ابن‌سعدان به‌عنوان وزیر با طرح پرسش‌های دقیق جهت و محتوای بحث را تعیین می‌کرد و ابوحیان در جایگاه ادیب تحت حمایت موظف به ارائه پاسخ‌های تفصیلی بود. ثانیاً ابن‌سعدان نه‌تنها بر عمق مباحث تأکید می‌ورزید، بلکه گاهی با درخواست ارائهٔ پاسخ مکتوب دانش ابوحیان را به‌صورت رسمی‌تری در خدمت اهداف خود به کار می‌گرفت. (ابوحیان توحیدی، ۲۰۰۳م: ۲۶). ثالثاً ساختار جلسه با الگوی دوگانه جِدّ و هَزل طراحی شده بود؛ بحث‌های سنگین فکری با سنت ادبی «مُلحةالوداع» (لطیفه پایانی) به پایان می‌رسید. این کارکرد دوگانه داشت: هم از فرسایشی شدن مباحث جلوگیری می‌کرد و هم با ایجاد فضایی صمیمی، انسجام شبکهٔ نخبگان را تقویت می‌نمود. در این چارچوب اختلاف‌نظرها درباره انگیزه اصلی تألیف کتاب نیز معنای دیگری می‌یابد. اینکه ابوحیان آن را به درخواست

ابوالوفای بوزجانی نسبت می‌دهد (ابوحیان توحیدی، ۲۰۰۳م: ۵۰-۵۱)، درحالی‌که منابعی دیگر به نقش ابوسلیمان منطقی اشاره دارند (قفطی، ۱۳۴۷: ۲۸۳)، لزوماً یک تناقض نیست، بلکه نشان می‌دهد که تولید این اثر محصول یک خواست جمعی در شبکهٔ فکری پیرامون ابوحیان بوده که درنهایت، ابن‌سعدان به‌عنوان حامی اصلی از آن بهره‌برداری سیاسی و فرهنگی کرده‌است. این مجالس درنهایت، ابزاری برای ابن‌سعدان بودند تا در رقابت با وزرای دیگر مانند صاحب بن عباد برتری فرهنگی خود را به نمایش بگذارد.

الف. پشتیبانی از فرهنگ و دانش

تشکیل مجالس علمی توسط ابن‌سعدان اقدامی چندلایه و راهبردی بود که در آن مرزهای میان اهداف فرهنگی و سیاسی به‌کلی محو شده و این دو حوزه در هم تنیده بودند. در عصری که ثبات سیاسی آل‌بویه بر لبهٔ تیغ حرکت می‌کرد، ابن‌سعدان با گردآوری هوشمندانهٔ نخبگان برجسته‌ای چون ابوعلی مسکویه در حوزه فلسفه و اخلاق، ابوالوفای بوزجانی در ریاضیات و ابوحیان توحیدی در ادب و بلاغت (ابوحیان توحیدی، ۲۰۰۳م: ۴۲-۴۹) آگاهانه در حال ترسیم یک ویترین فرهنگی فاخر برای وزارت کوتاه‌مدت خود بود. این رویکرد بازتاب‌دهندهٔ یک سبک دیوان‌سالاری رایج در میان وزرای آل‌بویه بود؛ سبکی که در آن تسلط بر گفتمان علمی به ابزاری برای جبران ضعف‌های نظامی یا سیاسی تبدیل می‌شد. مطالعهٔ دقیق مجالس اول تا هشتمِ *الامتاع* نشان می‌دهد که چگونه این فضا الگویی مشترک با سایر محافل وزیری آن دوران داشته‌است؛ جایی که وزیر با میزبانی از نخبگان با ایجاد شبکه‌ای از وابستگی‌های فکری و عاطفی پایگاه حمایتی خود را در برابر رقیبان داخلی و خارجی مستحکم می‌ساخت. این رویکرد سیستمی در گردآوری نخبگان دو کارکرد سیاسی مشخص داشت: نخست با ایجاد فضایی برای نقد و بررسی دقیق شخصیت‌های معاصر و واکاوی لایه‌های پنهان رفتار نخبگان تصویری از وزیر «آگاه»، «تیزبین» و «مسلط بر احوال جامعه» ارائه می‌داد. این تصویرسازی مستقیماً تبلیغات منفی رقیبان را که او را فردی ناکارامد یا غافل از واقعیت‌ها می‌خواندند، خنثی می‌کرد. شواهد متنی در مجالس دوم تا چهارم *الامتاع*، گواه این مدعاست؛ جایی که محور اصلی گفت‌وگوها نه مباحث انتزاعی فلسفی بلکه شخصیت‌شناسی اجتماعی و معرفی ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری چهره‌های

سرشناس آن دوران است (ابوحیان توحیدی، ۲۰۰۳م: ۵۰–۹۸). ابن‌سعدان با هدایت این بحث‌ها نشان می‌داد که بر نبض تحولات اجتماعی و روان‌شناختی اطرافیان خود مسلط است. بنابراین دانش در اینجا ابزاری برای مدیریت ادراکی بود تا وزیر بتواند با تکیه بر شناخت عمیق از افراد هم‌شبکه، وفاداران خود را تقویت کند و هم در برابر توطئه‌های دیوانی مصون بماند. کارکرد دوم شکل‌دهی به یک شبکهٔ انسجام‌یافته از نخبگان وفادار براساس منطق «تبادل سرمایه» بود. در این فضا ابن‌سعدان با تأمین هزینه‌های مادی و ایجاد بستر گفت‌وگو از نخبگان خواست تا دانش، اعتبار و هوش کلامی خود را در اختیار او قرار دهند. این تعامل دوسویه نوعی قرارداد نانوشته وفاداری ایجاد می‌کرد، چراکه نخبگان حاضر در مجلس با دریافت حمایت وزیر ناخودآگاه یا آگاهانه به بازوی مشورتی و تبلیغاتی او تبدیل می‌شدند (ابوحیان توحیدی، ۲۰۰۳م: ۱۲۰–۱۳۵). بنابراین مجالس ابن‌سعدان در بغداد فراتر از کارکرد آموزشی ساده به‌مثابهٔ کانونی پویا برای تقابل و گفت‌وگوی انتقادی میان دو سنت معرفتی عمل می‌کرد: میراث فلسفی–منطقی یونانی که از طریق ترجمه‌های مکتب بغداد وارد گفتمان اسلامی شده بود، و گفتمان کلامی–ادبی عربی که بر اصالت زبان و تفکر محلی تأکید داشت. حضور چهره‌هایی چون یحیی بن عدی و عیسی بن زرعه که نه‌تنها مترجم بلکه شارح و بازتولیدکننده فلسفه ارسطویی بودند، این مجالس را به زمینه‌ای رقابتی برای اثبات برتری روش‌های شناختی تبدیل کرده بود. این تعامل تلفیقی هماهنگ نبود، بلکه میدانی بود برای برخورد دو جهان‌بینی همان‌گونه که سیرافی در مناظره با متی بن یونس تصریح می‌کند: «فَكَأَنَّكَ تَقُولُ: لَا حُجَّةَ إِلَّا عُقُولُ يُونَانَ، وَلَا بُرْهَانَ إِلَّا مَا وَضَعُوهُ، وَلَا حَقِيقَةَ إِلَّا مَا أَبْرَزُوهُ»؛ یعنی پذیرش انحصار عقلانیت در یونان‌ها، خود نوعی تعصب معرفتی است (ابوحیان توحیدی، ۲۰۰۳م: ۹۲). در این مناظره، بر سر مرجعیت معرفت‌شناختی منطق یونانی در برابر ظرفیت‌های زبان عربی به شدت بحث می‌شود. ابن‌سعدان با میزبانی چنین مناظراتی فضایی فراهم می‌کرد که در آن اعتبار و حدود دانش یونانی به چالش کشیده شده و موردبازبینی قرار می‌گرفت.

ب. تشکیل شبکه‌های اجتماعی و سیاسی

فراتر از ابعاد سیاسی و علمی، مجالس ابن‌سعدان کارکردی حیاتی به‌عنوان مراکز

شبکه‌سازی اجتماعی و مدیریت نخبگان داشتند. ابن‌سعدان با گرد هم آوردن طیف وسیعی از متخصصان از فلاسفه و منطقیان گرفته تا پزشکان و ادبا صرفاً دانش آن‌ها را به کار نمی‌گرفت، بلکه در حال ایجاد یک شبکهٔ قدرت فرهنگی بود که اعضای آن از طریق روابط متقابل به یکدیگر و به شخص وزیر متصل می‌شدند. این افراد به‌مثابهٔ سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی عمل می‌کردند که در اختیار حامی خود قرار داشتند. پویایی درونی این شبکه به خوبی در متنِ *الامتاع و المؤانسة* قابل‌مشاهده است. این شبکه ساختاری داشت که در آن روابط شخصی، حرفه‌ای و حمایتی در هم تنیده بود. به‌عنوان مثال ابوالوفای بوزجانی نه‌تنها به‌عنوان یک ریاضی‌دان در بحث‌ها شرکت می‌کرد، بلکه نقش میانجی را در اتصال ابوحیان توحیدی به وزیر ایفا کرده و حتی برای او موقعیت شغلی فراهم می‌کرد (شوقی، ۱۴۲۸: ۴۵۸). این تعاملات غیررسمی که در حاشیه مباحث علمی شکل می‌گرفت، وفاداری اعضای شبکه را تقویت کرده و آن را به یک واحد منسجم اجتماعی تبدیل می‌کرد. این شبکهٔ منسجم به ابن‌سعدان اجازه می‌داد تا از آن برای اهداف مختلفی استفاده کند: از کسب مشاوره در تصمیم‌گیری‌های سیاسی گرفته تا بسیج نخبگان برای مقابله با رقبای فرهنگی و تقویت جبهه خود در جنگ روایت‌ها. بنابراین این مجالس محل تولید روابط اجتماعی بودند که خروجی آن‌ها شبکه‌ای قدرتمند از نخبگان وفادار به وزیر بود. رابطهٔ میان ابن‌سعدان و نخبگان حاضر در مجلس او براساس یک منطق تبادل متقابل شکل گرفته بود که در آن انگیزه‌های شخصی مانند خودنمایی، فخرفروشی و منفعت‌طلبی نقشی اساسی ایفا می‌کرد. این مجالس بازاری بودند که در آن هر دو طرف سرمایه‌های خود را با یکدیگر مبادله می‌کردند. از یک سو ابن‌سعدان به‌عنوان حامی سرمایهٔ اقتصادی و سیاسی خود را عرضه می‌کرد. او با برپایی این محافل نه‌تنها اعتبار فرهنگی و سیاسی کسب می‌کرد بلکه به شکلی آشکار از این جایگاه برای تفاخر و نمایش برتری خود بر رقبایش بهره می‌جست. چنان‌که توحیدی گزارش می‌دهد ابن‌سعدان آشکارا به مجلس خود فخر می‌فرمود و آن را نمادی از شایستگی منحصربه‌فرد خود می‌دانست (ابوحیان توحیدی، ۲۰۰۳م: ۶۲–۶۸). از سوی دیگر دانشمندان و ادیبان به‌عنوان کارگزاران سرمایه فرهنگی و علمی خود را به این بازار می‌آوردند. حضور در این مجالس برای آن‌ها فرصتی طلایی بود تا از طریق نمایش دانش خود به منافع ملموسی دست یابند. این منافع شامل افزایش شهرت، کسب اعتبار

اجتماعی و مهم‌تر از همه دسترسی به ساختار قدرت و امکان دست‌یابی به مناصب دولتی بود. پیروزی در یک مناظره علمی می‌توانست مستقیماً به یک موقعیت شغلی بهتر منجر شود. این رابطه تبادلی یک بازی برد–برد بود: وزیران با جذب نخبگان، مشروعیت و ابزار فرهنگی کسب می‌کردند و دانشمندان با عرضه دانش خود، امنیت و فرصت پیشرفت در ساختارهای قدرت را به دست می‌آوردند (ابوحیان توحیدی، ۲۰۰۰م: ۸۰).

ج. آموزش و تربیت نخبگان

تشکیل مجالس علمی و فرهنگی در دورهٔ حکومت آل‌بویه به‌ویژه در زمان وزارت ابن‌سعدان، تنها یک فعالیت اجتماعی و فرهنگی محسوب نمی‌شد، بلکه دارای اهداف آموزشی و تربیتی عمیقی بود که نقش مهمی در تشکیل و تربیت نخبگان سیاسی، علمی و فرهنگی قرن چهارم ایفا کرد. ابن‌سعدان با تشکیل مجالسی که در آن دانشمندان، فلاسفه، منطقیان، پزشکان، ریاضی‌دانان، ادبا و خطیبان برجسته عصر حضور داشتند، محیطی غنی برای رشد استعدادها، تبادل دانش و شکل‌گیری شخصیت‌های نخبه فراهم کرد. این نوع تعاملات فکری فرصتی فراهم کرد تا افراد جوان و مستعد ضمن شرکت در بحث‌های عمیق علمی، فلسفی و ادبی مهارت‌های لازم برای مشارکت در ساختارهای قدرت و دانش را کسب کنند. ابن‌سعدان با این کار نه‌تنها حمایت از دانش و فرهنگ را اعلام کرد بلکه نقشی کلیدی در تربیت نخبگان آینده سیاسی، علمی و فرهنگی داشت. شرکت‌کنندگان در این مجالس اغلب افرادی متخصص و با استعداد بودند که در آینده جایگاه‌های مؤثری در دولت، علم و ادب به دست آوردند. این موضوع نشان می‌دهد که این محافل ازجمله مرکزهای تربیت نخبگان در دورهٔ اسلامی محسوب می‌شدند. همان‌گونه که گزارش ابوحیان توحیدی از نخستین حضور در مجلس ابن‌سعدان نشان می‌دهد، ورود به این فضاهای فکری مستلزم تأیید پیشینهٔ علمی و انطباق با معیارهای روش‌شناختی دقیق بود؛ ابن‌سعدان پیش از دعوت از توحیدی از ابی‌الوفاء درباره سوابق او استعلام کرده و با اشاره به مسئولیت بیمارستانی وی تصریح می‌کند: «گفت که تو بر امر بیمارستان از سوی او نظارت داری و من تو را از این کار بالاتر می‌دانم.» سپس چارچوبی سخت‌گیرانه برای مشارکت در گفتمان ترسیم می‌نماید (توحیدی، ۲۰۰۳م: ۴۳). ابوحیان توحیدی یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌هایی بود که از این

نوع تربیت فرهنگی بهره‌مند شد. وی با حضور در مجلس ابن‌سعدان فرصت یافت تا با منطق، فلسفه، اخلاق و ادب آشنا شود و همزمان در محیط‌های سیاسی و فرهنگی شبکه‌های قدرت و دانش را تجربه کند. این نوع مشارکت نه‌تنها به تقویت مهارت‌های فکری و ادبی او کمک کرد، بلکه زمینه‌ای فراهم کرد تا در ساختارهای قدرت بعدی نیز نقش داشته باشد (مسکویه، ۱۴۲۴: ۲۱۰).

۵. تحلیل ساختاری و اجتماعی مجالس ابن‌سعدان

تحلیل ساختاری مجالس چهل‌گانهٔ ابن‌سعدان نشان می‌دهد که این محافل از یک الگوی موضوعی نظام‌مند پیروی می‌کردند که در آن مباحث از سطح فردی به مسائل کلان اجتماعی و سیاسی ارتقا می‌یافت. مجالس اولیه (۱ تا ۴) عمدتاً به معرفی شخصیت‌ها و تحلیل روان‌شناختی کارگزاران اختصاص داشت؛ چنان‌که توحیدی در مجلس اول با ورود به محفل وزیر و پذیرش شرط «تاء المواجهة» (خطاب مستقیم)، فضایی صمیمانه ایجاد کرد که در آن ستایش تواضع و نقد تکبر کارگزاران مطرح شد (توحیدی، ۲۰۰۳م: ۶–۲۷). این رویکرد در مجالس بعدی نیز ادامه یافت به‌گونه‌ای که ابوسلیمان منطقی در مجلس دوم با نقد بی‌پردهٔ فیلسوفان عصر، تناقض رفتار آنان با باورشان به جاودانگی نفس را افشا کرد و حرص تجاری ابن‌زرعه و کبر ابن‌خمار را کالبدشکافی نمود (توحیدی، ۲۰۰۳م: ۳–۳۲). این مجالس نه‌تنها محلی برای تبادل دانش بلکه ابزاری برای شبکه‌سازی و ایجاد وفاداری میان نخبگان بود که پرویش نیز بر بازسازی ساختاری روایی در این نثر فلسفی تأکید کرده‌است (پرویش، ۱۴۰۳: ۵). در مقابل مجالس میانی به مباحث ساختاری‌تر مانند حکمرانی، هویت قومی و معرفت‌شناسی پرداختند. مجلس ششم با طرح حساس‌ترین مناقشه عصر بویه یعنی جدال برتری عرب و عجم با استناد به آرای ابن‌مقفع، بحث را از تقابل نژادی به تحلیل محیطی–فرهنگی تبدیل کرد و با نتیجه‌گیری دیپلماتیک از آزردن نخبگان ایرانی‌تبار پرهیز نمود (توحیدی، ۲۰۰۳م: ۷۰–۷۱). مجلس هشتم نیز با گزارش مناظرهٔ مشهور سال ۳۲۶ق میان سیرافی و متی بن یونس، انحصار کشف حقیقت در منطق ارسطویی را به چالش کشید و وابستگی منطق به زبان مادری واضع آن را تبیین کرد. کرمر نیز اشاره کرده‌است که این مجالس کانون اصلی منازعات فلسفی و کلامی بودند که در آن‌ها بر سر میراث فلسفه

یونانی و سازگاری آن با کلام اسلامی بحث‌های جدی در جریان بود (کرمر، ۱۳۷۵: ۲۷۴). مجالس پایانی (۲۱ تا ۴۰) نیز با پرداختن به بحران‌های مذهبی و تکفیر ریشه تفرقه را در تغییر کارکرد مذاهب از فروع قابل‌تحمل به ابزار اباحه خون و مال دانستند (توحیدی، ۲۰۰۳م: ۳۹-۳۹۶).

ازآنجاکه کتاب *الامتاع* به دلیل ماهیت دایرةالمعارف‌گونه‌اش طیف بسیار وسیع و متکثری از موضوعات علمی، فلسفی، الهیاتی، ادبی، طبیعیات و حتی فکاهی را دربر می‌گیرد و خلاصه‌سازی این حجم از داده‌های متنوع و جزئیات پراکنده در قالب متن‌های پیوسته، معمولاً سبب سردرگمی مخاطب و دشواری در ادراک نظام‌مند اثر می‌شود، لذا آن را در قالب یک جدول نشان دادیم، چراکه جدول امکان دسته‌بندی منظم، فشرده‌سازی اطلاعات و مقایسه سریع مضامین هر شب را به‌صورت یک‌جا فراهم می‌سازد. دوم اینکه هر مجلس از این کتاب هم‌زمان دارای دو لایه متمایز است: لایهٔ نخست موضوعات نظری و علمی مطرح‌شده میان توحیدی و وزیر است و لایهٔ دوم کارکرد عملی، سیاسی و امنیتی آن مباحث برای بقای دولت. قالب جدول این فرصت را ایجاد می‌کند تا این دو بعد در ستون‌های مجزا اما موازیِ یکدیگر قرار گیرند تا پیوند زنده میان دانش و قدرت در بستر تاریخی آل‌بویه به شکلی روش‌مند و ساختاریافته نمایان شود و دسترسی به اطلاعات کلیدی اثر تسهیل گردد.

بخش اول: مبانی معرفت‌شناختی و فلسفی

مجالس ابن‌سعدان یکی از مهم‌ترین کانون‌های بحث‌های معرفت‌شناختی و فلسفی در بغداد قرن چهارم هجری بود که در آن فیلسوفان، متکلمان و ادیبان به بررسی بنیادی‌ترین پرسش‌های بشری دربارهٔ ماهیت معرفت، نسبت عقل و وحی و ساختار هستی می‌پرداختند. در جدول زیر تحلیل عمیق‌ترین مباحث فلسفی و معرفت‌شناختی مطرح‌شده در مجالس ابن‌سعدان ارائه شده‌است که شامل مناظره مشهور سیرافی و متی بن یونس در مجلس هشتم، آرای ابوسلیمان سجستانی درباره تقابل عقل و طبیعت در مجلس نهم، اثبات تجرد و بقای نفس در مجلس سیزدهم، تبیین مسئله جبر و اختیار در مجلس شانزدهم، نقد آمیزش وحی با عقل و افشای نویسندگان پنهان رسائل اخوان‌الصفا در مجلس هفدهم، تحلیل نسبت عقل و طبیعت در مجلس بیست‌ودوم، تبیین تفاوت اراده و اختیار و شهوت و محبت در

مجلس سی‌وپنجم، و ریشه‌یابی تفرقهٔ مذهبی در مجلس چهلم است. این مجالس نشان می‌دهند که محفل ابن‌سعدان کانون اصلی منازعات فلسفی و کلامی بغداد قرن چهارم بود که در آن بر سر میراث فلسفهٔ یونانی و سازگاری آن با کلام اسلامی بحث‌های جدی در جریان بود (توحیدی، ۲۰۰۳م: ۹۲، ۱۱۲، ۱۵۶، ۱۸، ۱۹۸–۲۰۴، ۲۵۶، ۳۴۹، ۳۹۲–۳۹؛ کرمر، ۱۳۷۵: ۲۷۴؛ شریعتمداری، ۱۴۰۰: ۱۹۱–۰۶).

زمینه و میثاق زبانی	محورهای گفت‌وگو و مباحث نظری	مجلس
گزارش تفصیلی مناظره مشهور سال ۳۲۶ق میان ابوسعید سیرافی (نحو عربی) و متی بن یونس (منطق یونانی)	ابطال ادعای انحصار کشف حقیقت در منطق ارسطویی؛ تبیین وابستگی منطق به زبان مادری واضع آن؛ به چالش کشیدن ترجمه‌های چندلایه؛ و آزمون علمی سیرافی	۸
تبیین سلطه تکوینی انسان بر طبیعت به‌واسطهٔ سه ابزار «فطرت، اندیشه و عقل»	آرای ابوسلیمان سجستانی در تقابل عقل و طبیعت؛ تقسیم اخلاق بر پایه قوای سه‌گانه نفس؛ بررسی مرزهای امکان تهذیب نفس	۹
اثبات تجرد، جوهریت و بقای نفس از طریق براهین فلسفی	تقریر ابوسلیمان در طبقه‌بندی عقول بشری به چهار گروه؛ و تبیین کارکرد جامعه‌شناختی توده‌های عوام	۱۳
تبیین فلسفی ابن‌یعیش دربارهٔ «ممکن» به‌عنوان سایهٔ واجب‌الوجود»	تبیین بیهودگی جستجوی ثبات در پدیده‌های مادی؛ تحلیل توازن معرفتیِ حس و عقل	۱۵
تبیین فلسفی مسئلهٔ جبر و اختیار براساس «اصالت زاویه دید»	تبیین حکمت ممنوعیت خوض در قضا و قدر؛ تبیین پدیده «جهل سودمند»	۱۶
افشای اسرار حلقه یاران بصره به‌عنوان نویسندگان پنهان «رسائل اخوان‌الصفا»	تقریر براهین ابوسلیمان در رد آمیزش وحیِ تعبدی با عقلِ ظنی؛ تبیین فرجام تلخ فیلسوفان مصلح سیاسی	۱۷
تبیین رابطه متقابل عقل و طبیعت؛ واکاوی نسبت‌های فلسفی «واحد و کثیر»	تشریح تمثیل بدن به‌عنوان «دکان و ابزار نفس»؛ تبیین عادت به‌عنوان «طبیعت ثانویه»	۲۲
تبیین روان‌شناختی تفاوت «اراده» با «اختیار» و «شهوت» با «محبت»	تسلیم پرسش‌نامه جامع وزیر پیرامون حقیقت نفس، روح، عقل، معنای حیات و معاد	۳۵
طرح پرسش خطیر وزیر درباره علل پیدایش فرقه‌گرایی و تکفیر	تبیین فلسفی تفاوت میان ادیان الهی با مذاهب کلامی؛ ریشه‌یابی ناگزیر بودنِ تفرقه مذهبی	۴۰

بخش دوم: اخلاق و فضایل انسانی

مجالس ابن‌سعدان کارکردی چندلایه در بازاندیشی اخلاقی و نقد اجتماعی داشتند که فراتر از مباحث معنوی صرف، به سنجش صلاحیت سیاسی و مدیریت شبکه‌های قدرت می‌پرداخت. در مجلس سوم پس از بحث دربارهٔ بی‌ثباتی مقام وزارت گفتگو به تحلیل شخصیت درباریانی چون ابن شاهویه، بهرام و ابن مکیخا کشیده شد و توحیدی با نثری گزنده و تشبیهاتی چون گرگان درنده و عقرب‌های نیش‌زن ماهیت متملق و توطئه‌گر آنان را افشا نمود (توحیدی، ۲۰۰۳م: ۵۴–۵۵) یا اینکه در مجلس سی‌وهفتم با نقد ابوسلیمان منطقی بر تلاش ابن‌زرعه برای طبقه‌بندی نظام‌مند صفات اخلاقی و تأکید بر «تداخل» و «تلابس» ذاتی صفات، اخلاق را به‌عنوان «عرض» (ویژگی قابل‌کسب و از دست دادن) تحلیل می‌کرد که تعاریف عملکردی آن مانند «الحلم: ضبط الفکر بکفّ الغضب» و «العدل: القسط القائم علی التّساوی» نشان می‌داد اخلاق در این بستر معیاری برای سنجش صلاحیت سیاسی بود (توحیدی، ۲۰۰۳م: ۳۶۲). همان‌طور که در جدول دوم نشان داده شده‌است این مجالس با پوشش طیف وسیعی از مباحث اخلاقی از ستایش تواضع و نقد تکبر در مجلس اول، نقل رویکرد واقع‌گرایانه امام حسن(ع) در ترجیح صلح بر جنگ در مجلس نوزدهم، تدوین کلمات قصار و قواعد تدبیر ملک در مجلس بیست‌وششم، فتوای روادارانه عمر بن عبدالعزیز درباره اهل ذمه در مجلس سی‌ویکم تبیین سخاوت حضرت سلیمان (ع) و حکایت نابینای اصفهانی در مجلس سی‌ودوم احادیث نبوی درباره همسایه و حکایت ایثار عامر بن طفیل در مجلس سی‌وسوم تا تقابل لفظ و معنا و نقد امکان تعریف ریاضیاتی اخلاق در مجلس سی‌وهفتم اخلاق را از حوزه معنویت خالص به حوزه مدیریت انسانی و سرمایه‌گذاری در شبکه‌های قدرت کشاندند و پیوندی عینی میان فضیلت و مشروعیت سیاسی ایجاد کردند (توحیدی، ۲۰۰۳م: ۲۶–۲۷، ۲۱۸–۲۲۰، ۲۸۴–۲۸۶، ۳۱۸، ۳۲۶، ۳۳۰، ۳۶۲، ۳۶۸، ۳۸۰–۳۸۳).

زمینه و میثاق زبانی	محورهای گفت‌وگو و مباحث نظری	مجلس
ورود توحیدی به محفل وزیر با وساطت بوزجانی؛ پذیرش شرط صراحت لهجه	ستایش تواضع و نقد روان‌شناختی تکبر کارگزاران؛ تفاوت عقل بالقوه و بالفعل	۱
ارائه مجموعه‌ای از حکمت‌های موجز و کلمات قصار؛ دستورالعمل صیمری به فرزندش	نقل رویکرد واقع‌گرایانه امام حسن(ع) در ترجیح صلح بر جنگ؛ گلایه امام علی(ع) از عافیت‌طلبی	۱۹

تدوین مجموعه وسیعی از کلمات قصار و ضرب‌المثل‌های عربی و یونانی	تبیین قواعد کلیدی در باب تدبیر ملک و بقای دولت؛ برتری عدالت پادشاه	۲۶
اثبات وجوه چهل‌گانه وزن دستوری «فَعیل» در برتری پژوهشی توحیدی	فتوای روادارانه عمر بن عبدالعزیز در جواز آغاز به سلام با اهل ذمه	۳۱
قرائت اشعار هجوآمیز در نکوهش رذیلت خست؛ حکایت نابینای اصفهانی	تبیین ابعاد سخاوت بی‌دریغ حضرت سلیمان(ع)؛ نقل روایتی نبوی در فضیلت خوش‌توشه بودن	۳۲
روایت غیلان از سختی معیشت عرب؛ حکایت ایثار «عامر بن طفیل»	نقل احادیث نبوی در باب اولویت همسایه نزدیک‌تر؛ تبیین عقوبت خوابیدن با شکم سیر	۳۳
پاسخ علمی توحیدی به پرسش وزیر درباره ده واژهٔ نادر عربی	واکاوی تمسخرآمیز کبر و تفاخر ادبا؛ تقریر قانون طلایی ابوسلیمان در تقابل «لفظ» با «معنا»	۳۶
تدوین منشور تعریف زوج‌های متضاد اخلاقی؛ تعریف دقیق رمّانی از «عفت»	آرای انتقادی ابوسلیمان در رد امکان تعریف ریاضیاتی اخلاق؛ تبیین تأثیر مزاج بر اخلاقیات ملل	۳۷

بخش سوم: سیاست و حکمرانی

مجالس ابن‌سعدان کارگاه‌هایی برای تحلیل واقع‌گرایانه سیاست و هنر بقا در محیط آل‌بویه بودند که در آن‌ها دانش نه برای خود بلکه ابزاری حیاتی برای تثبیت قدرت وزیر محسوب می‌شد. همان‌طور که در جدول سوم نشان داده شده‌است این مجالس با طرح سرنوشت وزیری چون ابن‌بقیه (توحیدی، ۲۰۰۳م: ۵۴–۵۶) و ترویج منطق عمل‌گرایانه‌ای مبتنی بر قاعدهٔ «رهبوت خیر من رحموت» (توحیدی، ۲۰۰۳م: ۵۶)، به مشاوره سیاسی جمعی و هشدار دائمی دربارهٔ شکنندگی مقام وزارت می‌پرداختند. فراتر از این، محافلی ازاین‌دست صحنهٔ حل تنش‌های ساختاری دیوان‌سالاری بودند، چنان‌که مجلس هفتم با بازتاب جنگ صنفی میان کاتبان ادیب و حسابداران جایگاه ابن‌سعدان را به‌مثابهٔ مدیری متوازن تثبیت می‌کرد (توحیدی، ۲۰۰۳م: ۸۴) و مجلس سی‌وچهارم با ارتقای بحران مشروعیت به اخلاق سیاسی، تئوری وابستگی ذاتی حاکم به رعیت را ارائه می‌داد تا درکی انسانی از حکمرانی را جایگزین سرکوب کند (توحیدی، ۲۰۰۳م: ۳۳۸، ۳۷۳–۳۷۵).

زمینه و میثاق زبانی	محورهای گفت‌وگو و مباحث نظری	مجلس
ماجرای عبرت‌آمیز پیرمرد خراسانی در پای چوبهٔ دار وزیر مصلوب (ابن‌بقیه)	بحث دربارهٔ ضرورت اعمال قدرت؛ سیاست ایجاد هیبت و هراس («بیم‌آفرینی بهتر از مهرورزی است»)	۳
تبرئهٔ توحیدی از اتهام همدستی؛ تبیین دلایل امتناع از مأموریت سیاسی	تحلیل روان‌شناختی تناقض‌های صاحب بن عباد: فصاحت زبانی در کنار خصومت با علوم عقلی	۶

ستایش بی‌بدیل از ابواسحاق صابی؛ معرفی کاتبان توانمند به‌حاشیه‌رانده‌شده	تبیین بقای حاکمان نالایق براساس بخت و اقبال؛ افشای قساوت صاحب بن عباد	۵
روایت اخلاق دیوانی مروان؛ واکاوی ریشه‌های پیروزی امویان بر بنی‌هاشم	تبیین مفهوم «غریب» در دوران زوال دین؛ گریستن زاهدانه وزیر از اضطراب موقعیت سیاسی	۲۰
روایت تنوخی از تقاضای شجاعانه ابن‌حرنبار برای مجازات دبیر فاسد دربار	ریشه‌یابی هرج‌ومرج اجتماعی بغداد به سبب بی‌تفاوتی سلطان؛ تقسیم‌بندی طبقاتی جامعه در بحران	۳۴
ستایش وزیر از حاضرجوابی؛ نقل روایت نبوی در تبیین سحر بیان	نقل نمونه‌های درخشان حاضرجوابی‌های تاریخی؛ تقابل کلامی ثابت بن زبیر با خلیفهٔ عبدالملک	۳۸

بخش چهارم: زبان، ادب و بلاغت

جدول زیر به بررسی مباحث زبان‌شناختی، ادبی و بلاغی در مجالس ابن‌سعدان اختصاص دارد که شامل دفاع از فصاحت زبان عربی و مناظره برتری عرب بر عجم در مجلس ششم، تبیین تأثیر قواعد زبانی بر فهم سیاسی و جنگ صنفی میان کاتبان ادیب و حسابداران در مجلس هفتم، تقسیم سخن به سه قالب بدیهه، رویه و مرکب و مناقشهٔ نظم و نثر در مجلس بیست‌وچهارم، استدلال موافقان نثر بر پایه اصالت تکوینی آن و تمثیل نثر به «زن آزاده» در مجلس بیست‌وپنجم، پاسخ‌های لغوی به پرسش‌های ادبی وزیر و تبیین تأویلی آیهٔ «هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ» در مجلس بیست‌ونهم و قرائت قصیدهٔ حماسی أعشی باهله و واکاوی دستورزبانی واژه‌ها در مجلس سی‌ام است. این مجالس صحنهٔ تقابل سنت‌های زبانی و ادبی مختلف بودند که در آن بلاغت عربی در برابر منطق یونانی و نثر در برابر نظم قرار می‌گرفت (توحیدی، ۲۰۰۳م: ۷۰–۷۱، ۸۴، ۲۴۸–۲۵۲، ۲۴۹، ۳۱۲–۳۴، ۳۱۸–۳۲۰)

زمینه و میثاق زبانی	محورهای گفت‌وگو و مباحث نظری	مجلس
آغاز مناظره دربارهٔ برتری عرب بر عجم؛ تقسیم فلسفی فضایل ملل	دفاع ساختاری از فصاحت آوایی زبان عربی؛ نقد تند قاضی مرورودی به رسم باستانی ازدواج با محارم	۶
جدال توحیدی با ابن‌عبید؛ دفاع ابن‌عبید از محاسب‌گری مادی	تبیین تأثیر حیاتی قواعد زبانی بر فهم سیاسی؛ افشای منشأ حسادت‌های صاحب بن عباد	۷
تبیین ابوسلیمان در تقسیم سخن به سه قالب بدیهه، رویّه و مرکب	استدلال موافقان نظم بر پایهٔ پیوند شعر با طرب؛ دفاع ابن‌ثوابه از منزلتِ حاکمیتیِ نویسندگان نثر	۲۴
تمثیل عمیق نثر به «زن آزاده» و نظم به «کنیزک فریبنده»	استدلال موافقان نثر بر پایه اصالت تکوینی آن (نزول منثور وحی)	۲۵

تبیین تأویلی–فلسفی از ایجاز آیهٔ «هُوَ الْأَوَّلُ وَ الْآخِرُ»	پاسخ‌های دقیق لغوی به پرسش‌های ادبی وزیر؛ تدوین فهرست نام‌گذاری‌های شتران	۲۹
واکاوی دستور زبانیِ منع صرف واژه‌ها؛ تبیین واژگان اضداد	قرائت قصیده حماسی «أعشی باهلهٔ»؛ ترسیم سیمای آرمانی پهلوان عرب	۳۰

بخش پنجم: علوم طبیعی و زیست‌شناسی

جدول زیر به تحلیل مباحث علوم طبیعی و زیست‌شناسی در مجالس ابن‌سعدان می‌پردازد که شامل خوانش کتاب *نوادرالحیوانِ* جاحظ و بررسی رابطهٔ فیزیولوژی حیوانات با طول عمر، پدیدهٔ خوددرمانی در جانوران، و شگفتی‌های زیست‌شناسی در مجالس دهم تا دوازدهم و تشریح کشش و پیوند میان عناصر طبیعی، علیت بالعرض، طبقه‌بندی ۷۰ نوع جواهر معدنی و نظریه جیوه و گوگرد در تکوین فلزات در مجلس بیست‌وچهارم است. این مباحث نشان می‌دهد که نخبگان بغداد قرن چهارم به علوم تجربی توجه جدی داشتند و کتاب‌هایی چون *نوادرالحیوانِ* جاحظ به‌عنوان منابع علمی معتبر مورداستفاده قرار می‌گرفت (توحیدی، ۲۰۰۳م: ۱۲۸–۱۲، ۲۵۶–۲۶۲).

زمینه و میثاق زبانی	محورهای گفت‌وگو و مباحث نظری	مجلس
خوانش بخش‌هایی از کتاب *نوادرالحیوان*؛ گزارش شگفتی‌های زیست‌شناسی	تبیین رابطه میان فیزیولوژی حیوانات با طول عمر؛ بررسی پدیده خوددرمانی در جانوران	۱۰–۱۲
تبیین فضا و جغرافیا در تکوین انواع جانوران و گیاهان؛ طبقه‌بندی ۷۰۰ نوع جواهر معدنی	تشریح کشش، پیوند و قهر میان عناصر طبیعی؛ تبیین علیت بالعرض	۲۴

بخش ششم: موسیقی، طرب و زیبایی‌شناسی

جدول زیر به بررسی فلسفی موسیقی و طرب به‌عنوان پدیده‌هایی که نفس انسان را به عالم قدس پیوند می‌دهند، اختصاص دارد که شامل تحلیل سقراطی طرب و وجد موسیقایی به‌عنوان کشش نفس برای رهایی از قفس تن و بازگشت به وطن ملکوتی و تبیین مفهوم «سکینه» در چهار مرتبه (طبیعی، نفسانی، عقلانی و الهی) در مجلس چهاردهم و تبیین دهشت و انگیزش نفس فیلسوف در مواجهه با توازن موسیقایی، تجلی نور عقل در هارمونی آواها و ارجحیت بینایی و شنوایی بر سایر حواس در مجلس بیست‌ویکم است. این مباحث

نشان می‌دهد که موسیقی در اندیشه فیلسوفان بغداد نه صرفاً سرگرمی بلکه راهی برای تعالی نفس و تجلی نور عقل بود (توحیدی، ۲۰۰۳م: ۱۶۸–۱۷۲، ۲۶–۲۴۰).

زمینه و میثاق زبانی	محورهای گفت‌وگو و مباحث نظری	مجلس
تبیین فلسفی مفهوم «سکینه» در چهار مرتبه؛ تقسیم مراتب آن میان پیامبران و اوصیا	تحلیل سقراطیِ طرب و وجد موسیقایی (کشش نفس برای رهایی از قفس تن)	۱۴
تبیین فیلسوفانه لذت مضاعف آوازهای جمعی؛ تحلیل تمایل طبیعی به هماهنگی	تبیین دهشت و انگیزش نفس فیلسوف در مواجهه با توازن موسیقایی؛ چگونگی تجلی نور عقل در هارمونی	۲۱

بخش هفتم: دین، وحی و کلام

جدول زیر به تحلیل مباحث دینی، وحیانی و کلامی در مجالس ابن‌سعدان می‌پردازد که شامل تقریر براهین ابوسلیمان در رد آمیزش وحی با عقل و افشای نویسندگان پنهان رسائل اخوان‌الصفا در مجلس هفدهم، روایت اخلاق دیوانی مروان و نامهٔ عدالت‌خواهانهٔ عمر بن عبدالعزیز و واکاوی ریشه‌های پیروزی امویان در مجلس بیستم، گزارش مذاکرات دیپلماتیک پیامبر با قبیله بنی‌عامر و تدوین گلچین احادیث نبوی در مجلس بیست‌وسوم و روایت حکایات تاریخی درباره تفأل زبانی و فال نیک و بد در مجلس بیست‌وهشتم است. این مجالس فضایی برای بررسی نسبت میان وحی و عقل و تحلیل بحران‌های کلامی عصر بودند (توحیدی، ۲۰۰۳: ۱۹۸–۲۰۴، ۲۸–۲۳۰، ۲۴۸–۵۲، ۳۰–۳۰۶).

زمینه و میثاق زبانی	محورهای گفت‌وگو و مباحث نظری	مجلس
واکاوی ادبی وزن‌های دستوری؛ معرفی زید بن رفاعه و اسرار حلقه بصره	تقریر براهین ابوسلیمان در رد آمیزش وحی با عقل؛ پاسخ‌های تند جریری به مقدسی	۱۷
واکاوی ریشه‌های پیروزی امویان؛ گسست خلافت به سلطنت	روایت اخلاق دیوانی مروان؛ نامه عدالت‌خواهانه عمر بن عبدالعزیز	۲۰
تدوین گلچینی از احادیث جامع و فصیح پیامبر (ص)	گزارش مذاکرات دیپلماتیک پیامبر با قبیله بنی‌عامر؛ تبیین کیفیت روان‌شناختی نزول وحی	۲۳
یادداشت پایانی توحیدی خطاب به واسطه و مخدوم بزرگوارش	روایت حکایات تاریخی درباره تفأل زبانی و فال نیک و بد	۲۸

بخش هشتم: اجتماع، فرهنگ و طنز

جدول زیر به تحلیل مباحث اجتماعی، فرهنگی و طنز در مجالس ابن‌سعدان اختصاص دارد که شامل واکاوی تضاد رفتار فیلسوفان با باورشان به جاودانگی نفس و نقد ستاره‌بینی در مجلس دوم افشای اصطلاحات شطار و واکاوی گذار فرهنگی عشق بادیه‌نشینان به مادی‌گرایی جنسی شهری و روایت شوخی‌های دربار در مجلس هجدهم روایت گفت‌وگوی مسافران مجوسی و یهودی و تبیین فلسفی «اتفاق» در مجلس بیست‌وهفتم و نقل حاضرجوابی‌های تاریخی و تقابل کلامی شخصیت‌های بزرگ در مجلس سی‌ونهم است. این مجالس آینه‌ای تمام‌نما از جامعه بغداد قرن چهارم بودند که در آن مسائل اجتماعی، فرهنگی و طنز به شکلی زنده و انتقادی بازتاب می‌یافتند (توحیدی، ۲۰۳م: ۳۱–۳۲، ۲۰۶–۲۱۲، ۲۹۲–۲۹۸، ۳۸۰–۳۸۳).

مجلس	محورهای گفت‌وگو و مباحث نظری	زمینه و میثاق زبانی
۲	واکاوی تضاد رفتار فیلسوفان با باورشان به جاودانگی نفس؛ نقد ستاره‌بینی	گزارش سپاس‌گزاری ابوسلیمان؛ نقد بی‌پرده فیلسوفان عصر
۱۸	افشای اصطلاحات شطار؛ واکاوی گذار فرهنگی عشق بادیه‌نشینان به مادی‌گرایی جنسی شهری	پاسخ توحیدی به درخواست وزیر برای ورود به هزل؛ روایت شوخی‌های دربار
۲۷	روایت گفت‌وگوی مسافران مجوسی و یهودی؛ و آزمون عملی ادعای مجوسی در ایثار	تبیین فلسفی ابوسلیمان در تعریف «اتفاق»؛ نقل داستان‌های تصادف
۳۹	نقل نمونه‌های درخشان حاضرجوابی‌های تاریخی؛ تقابل کلامی شخصیت‌های بزرگ	ستایش وزیر از حاضرجوابی و ایجاز؛ تبیین ارکان پاسخ شایسته

نتیجه

واکاوی ساختاری و محتوایی کتاب *الامتاع و المؤانسة* نشان می‌دهد که مجالس شبانهٔ ابن‌سعدان فراتر از محافلی صرفاً علمی یا ادبی، و پدیدارهایی چندبعدی در زیست‌بوم اجتماعی–سیاسی آن عصر بودند. این نشست‌ها درواقع به‌عنوان نهادهایی پویا عمل می‌کردند که در آن‌ها معرفت به ابزاری کارامد برای مدیریت رقابت‌های حاکمیتی، بسط نفوذ سیاسی و شبکه‌سازی میان نخبگان فکری تبدیل می‌شد. سازمان‌دهی هوشمندانه و سلسله‌مراتبی این محافل به وزیر آل‌بویه اجازه می‌داد تا هم‌زمان با ابراز اقتدار فرهنگی

خویش، جریان‌های فکری مسلط زمانه را پایش، مهار و جهت‌دهی کند. طیف گستردهٔ مضامین مطرح در این مجالس از مناظرات ژرف کلامی و فلسفی تا واکاوی‌های روان‌شناختی از کارگزاران درباری و تاملات هویت‌شناختی بازتاب عینی دغدغه‌ها و چالش‌های عملیِ کارگزاری دولتمردی در یکی از مهم‌ترین ادوار تاریخی بود. ابن‌سعدان با بهره‌گیری از این بستر، ضمن زمینه‌سازی برای پیوند میان عقلانیت فلسفی و سُنَن فرهنگی، به پرورش کادرهای نخبگانی همسو همت گماشت. بر این اساس *الامتاع و المؤانسة* صرفاً گزارش مسامرات چهل‌گانه نیست، بلکه سندی تاریخی و تحلیل‌پذیر از تلاقی نهاد علم و ساختار قدرت در دوران پویایی تمدن اسلامی است.

منابع

الف) کتاب‌ها

۱. ابن‌خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۳۶۳). ***العبر***، ترجمهٔ عبدالمحمد آیتی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۲. ابن تغری‌بردی، یوسف بن تغری‌بردی (۱۳۹۲). ***النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهره***، ج۴. قاهره: وزارة الثقافة و الإرشاد القومی، المؤسسة المصریة العامة.

۳. توحیدی، علی بن محمد بن عباس (۱۴۱۹ق). ***البصائر و الذخائر***. بیروت: دار صادر

۴. توحیدی، علی بن محمد بن عباس (۲۰۰۰). *الصداقة* ***و الصدیق***. دمشق: دارالفکر.

۵. توحیدی، علی بن محمد بن عباس (۲۰۰۳). ***الامتاع و المؤانسة***، به تصحیح هیثم خلیفه طعیمی. بیروت: المکتبة العصریة.

۶. روذراوری، محمد بن حسین (۱۳۷۹). ***ذیل کتاب تجارب‌الأمم***، ضمیمهٔ *تجارب‌الأمم* مسکویه، تصحیح ابوالقاسم امامی. تهران: انتشارات سروش.

۷. ضیف، شوقی (۱۴۲۸). ***تاریخ‌الأدب العربی***، ج۵. قم: ذوی‌القربی.

۸. عبدالعزیز بن یوسف (۲۰۰۹). ***رسائل عبدالعزیز بن یوسف***، تحقیق محمد یونس عبدالعال. مصر: الهیئة المصریة العامة للکتاب.

۹. قفطی، جمال‌الدین ابوالحسن علی بن یوسف (۱۳۴۷). ***تاریخ‌الحکما***، به کوشش بهمن دارابی. تهران: دانشگاه تهران.

۱۰. کرمر، جوئل (۱۳۷۵). ***احیای فرهنگی در عهد آل‌بویه***، ترجمهٔ محمدسعید حنایی کاشانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۱۱. مسکویه، احمد بن محمد (۴۴۶ق). ***تجارب‌الأمم و تعاقب‌الهمم***، ج۶. بیروت: دارالکتب العلمیة.

۱۲. نخجوانی، هندوشاه بن سنجر (۱۳۱۳). ***تجارب‌السلف***، به کوشش عباس اقبال. تهران: مطبعهٔ فردین.

۱۳. یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۳۸۱). ***معجم‌الأدباء***، ج۲. تهران: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، انتشارات سروش.

ب) مقاله‌ها

۱۴. آذرتاش، آذرنوش؛ میرزایی، فرامرز و رحمتی ترکاشوند، مریم (۱۳۹۳). وام‌واژه‌های فارسی در کتاب *الامتاع و المؤانسهٔ* ابوحیان توحیدی. ***جستارهای زبانی***، ۵(۵)، ۱–۴۱.

۱۵. ابن‌الرسول، سید محمدرضا و رضاخواه ورنوسفادرانی، محسن (۱۳۹۲). تحلیل سبک‌شناختی کتاب *الامتاع و المؤانسة* ابوحیان توحیدی. ***لسان مبین***، ۴(۱۲)، ۱–۲۳.

۱۶. اروجی، فاطمه؛ صدقی، ناصر و کاظم‌زاده، اکبر (۱۳۹۲). نقش اقلیت‌های دینی در حیات اقتصادی عهد آل‌بویه. ***تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام***، ۴(۶)، ۱–۲۲.

۱۷. ایروانی‌زاده، عبدالغنی و عابدی، مهدی (۱۳۹۰). تحلیل دیدگاه‌های ادبی و نقدی ابوحیان توحیدی در *الامتاع و المؤانسة*. ***کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی***، ۱(۴)، ۱–۲۴.

۱۸. بالو، فرزاد و حق‌جو، سیاووش (۱۳۹۹). ابوحیان توحیدی برفراز تقابل‌های دوگانه نظم و نثر در سنت ادبی ـ بلاغی اسلامی. ***زبان و ادبیات فارسی***، ۲۸(۸۹)، ۷–۲۷.

۱۹. پرویش، محسن (۱۴۰۳). بازسازی ساختاریِ روایی در نثر فلسفی عربی: تحلیل روایت‌شناختی «*الامتاع و المؤانسة*» ابوحیان توحیدی براساس نظریه گریماس و پرینس. ***تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری***، ۳۴(۳۴)، ۱–۲۳.
Doi: 10.22051/hph.2026.52253.1836

۲۰. شریعتمداری، حمیدرضا (۱۴۰۰). آزاداندیشی دینی در قرن چهارم هجری: شاخصه‌ها و مبانی. ***هستی و شناخت***، ۸(۱)، ۱۷۲–۱۹۱. Doi: 10.22096/EK.2022.525734.1330

۲۱. عابدی، مهدی؛ ایروانی‌زاده، عبدالغنی و شاملی، نصرالله (۱۳۹۰). فکاهه و طنزپردازی در آثار ابوحیان توحیدی. ***انجمن ایرانی زبان و ادبیات عربی***، ۷(۲۰)، ۴۱–۶۰.

۲۲. محمدی، ذکراله و پرویش، محسن (۱۳۹۲). دارالعلم‌های آل‌بویه و نقش آنان در رشد و شکوفائی علم و دانش. ***تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام***، ۴(۷)، ۱۷۳–۱۹۵.